

رویکردی به احیای مهمان‌خانه قاجاری قزوین

اصغر محمدمرادی*

مهرداد پرهیزکاری**

تاریخ دریافت: ۹۱/۲۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۲

چکیده

مهمان‌خانه بزرگ قزوین را می‌توان اولین هتل ایرانی معرفی کرد که دارای امکاناتی فراتر از زمان خود بود. این بنای ممتاز در سال ۱۲۹۷ هجری قمری / ۱۲۵۹ هجری شمسی با منظمات دیگری همانند چاپارخانه و پست‌خانه، جزء مجموعه دولتی ساخته شد و هدف از ساخت آن، ایجاد رفاه لازم برای سفیران و مسافران خارجی در بدو ورود به پایتخت بود. بنای مذکور در انتهای خیابان ساخته شده متعلق به دوره صفویه، مقابل سردر ورودی دولتخانه صفوی قرار داشت و در دوره پهلوی اول هنگام امتداد آن خیابان، تخریب شد. با تخریب مهمان‌خانه و بیشتر شدن وسعت خیابان، ضمن از دست رفتن یکی از بناهای تاریخی ارزشمند ایران، فضای تعریف شده خیابان صفوی (سپه/ شهدا کنونی) که تا قبل از این، مهم‌ترین فضای اجتماعی و تفریح‌گاهی شهر به شمار می‌رفت، به خیابانی برای تردد خودرو تغییر یافت. احیای مهمان‌خانه قزوین، ضمن بیان ارزش‌های معماری این بنای از دست رفته، نقش مهمی در بازآفرینی هویت فضای شهری خیابان صفوی به عنوان بخشی از بافت تاریخی شهر قزوین دارد. رویکردهای مختلف احیای مهمان‌خانه قزوین در ضمن مسائل و معضلات موجود، هدف مقاله حاضر را رقم می‌زند. در این باره، ابتدا به معرفی بنا و ارزش‌های مهمان‌خانه قزوین پرداخته شده و سپس به روش‌های احیای بنا و بررسی نتایج به دست آمده می‌پردازد و در انتها پیشنهاد اجرایی را جهت احیای مهمان‌خانه طرح می‌کند. بخش معرفی بنا بر پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استوار است که قبلاً انجام پذیرفته و منتشر شده است و بخش رویکردهای احیا منطبق بر منشورهای جهانی تدوین گشته است. تلاش مقاله ضمن بیان و بررسی دقیق، ارائه راهکار اجرایی در پاسخ به مسئله است.

کلیدواژه‌ها

مهمان‌خانه قزوین، خیابان سپه، احیا.

* استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، نویسنده مسئول، m_moradi@iust.ac.ir
** کارشناس ارشد معماری

پرسش‌های پژوهش

۱. ابعاد مختلف ارزش‌های بنای مهمان‌خانه قزوین چیست؟
۲. رویکردهای احیای بنای تاریخی مهمان‌خانه قزوین جهت باززنده‌سازی ارزش‌های این بنای تاریخی کدام است؟
۳. روش رسیدن به رویکرد مناسب چیست؟

مقدمه

مهمان‌خانه قزوین به دستور ناصرالدین شاه و توسط آقاباقر ارباب که بعدها حاکم قزوین شد و لقب سعدالسلطنه گرفت، بنا گردید و در سال ۱۲۹۷ هجری قمری / ۱۲۵۹ هجری شمسی در انتهای خیابان صفوی (خیابان سپه / شهدا) مقابل سردر عالی‌قاپو به بهره‌برداری رسید و تعریف نوینی از فضای شهری در دوره قاجاریه ارائه کرد. این مهمان‌خانه، بنایی دو اشکوبه و دارای ۱۸ اتاق برای اقامت و پذیرایی از مسافران بود و به واسطه وجود امکاناتی که برای نخستین بار در اقامتگاه‌های ایران به وجود آمد، اولین هتل مدرن ایران به شمار می‌رفت که با الگوبرداری از هتل‌های فرنگی، به منظور استفاده فرستادگان و سفیران خارجی بنا شد و جزئی از پروژه بزرگ ارتباطی راه فرنگ بود؛ از این جهت در تاریخ معماری و گردشگری ایران، اهمیت و جایگاه مهمی دارد.

۱. بنای مهمان‌خانه

عمارت مهمان‌خانه بر روی صفا‌ی به ارتفاع تقریبی دو متر و دو اشکوبه ساخته شده بود. دیوارهای صفا‌ی کاشی‌کاری معقلی بود که با قاب‌های آجری ریتمی مشابه رواق‌بندی بالا داشت. تعداد دهانه‌های رواق در ضلع شمالی و جنوبی یعنی طول بلندتر مهمان‌خانه، مشرف به خیابان و کالسکه‌خانه ۹ دهانه، و در اضلاع شرقی و غربی ۶ دهانه بود. ستون‌ها دارای مقطع گرد بود که در بالا به قاب‌بندی با مقطع مربع منتهی می‌شد و قوس‌مزه‌داری داخل قاب تویزه را شکل می‌داد. داخل قاب دارای کاشی‌کاری هفت‌رنگ بود. در رئوس بنا، ستون‌ها دارای مقطع مستطیل با دو نیم‌ستون در طرفین جهت برقراری نظم و ترکیب با ستون‌های استوانه‌ای بود. شکل و جزئیات رواق، شباهت کاملی به رواق عمارت چهل‌ستون قزوین داشت. رواق مذکور نیز توسط سعدالسلطنه به بنای صفوی چهل‌ستون الحاق شده است (پرهیزکاری ۱۳۸۶، ۷۸-۸۲).

ورودی‌های اصلی بنا در اضلاع شمالی و جنوبی قرار داشت و با توجه به وجود پلکان‌های شرقی و غربی، دو ورودی فرعی نیز در این اضلاع وجود داشت. با توجه به ورودی جنوبی و غربی، از محوطه ورودی جنوبی عمارت بیش‌تر از دیگر ورودی‌ها استفاده می‌شد.

طبقه همکف، بنا بر نوشته فراهانی «مشمول بر ده اتاق و قهوه‌خانه و آشپزخانه ... و مرتبه فوقانی مشتمل بر هشت اتاق» (۱۳۶۲، ۱۸) بود. «بزرگ‌ترین قسمت مهمان‌خانه، تالار وسیعی بود که به وسیله ارسی‌های بزرگ- که شیشه‌های الوان آن با ظرافت و اشکال زیبای هندسی پهلوی هم چیده شده بودند- از بیرون نور می‌گرفت» (اورسل ۱۳۸۲، ۲۰۴). با توجه به ابعاد خارجی بنا و توصیف حسام‌السلطنه می‌توان ابعاد تقریبی تالار مذکور را ۱۱ در ۸ متر و فاقد ستون برآورد کرد. بر همین اساس، اتاق‌های طبقه اول نیز در طرفین تالار مرکزی و اضلاع شرقی و غربی جای گرفته بودند و هریک پنجره‌ای به بیرون داشتند. دور تا دور اشکوب بالا و بر روی رواق همکف، مردگردی به عرض تقریبی ۳ متر واقع بود که در ضلع جنوبی با داخل نشستن بنای اشکوب بالا، وسیع‌تر می‌شد و در ضلع شمالی از زیر ستون‌های ایوان عبور می‌کرد. (نقشه ۲)

وضع اشکوب پایین، مبهم‌تر از اشکوب بالاست و توصیف کمتری از آن در سفرنامه‌ها آمده است. با توجه به ریتم یکسان پنجره‌های طبقه همکف، تعیین مکان دقیق آشپزخانه و قهوه‌خانه میسر نیست. همچنین محل پلکان

ارتباطی طبقه بالا نیز نامشخص است و تنها اشاره شده که «پله‌هایی که از آن‌ها به بالاخانه می‌روند، از تخته ساخته شده» (حسام‌السلطنه ۱۳۷۴، ۲۹) سطح اتاق‌های اشکوب بالا با توجه به محوربندی ستون‌های بنا حدود ۱۴ مترمربع و سطح اتاق‌های طبقه همکف، اندکی کمتر بود. تمامی اتاق‌ها با یک پنجره دولنگه که کتیبه‌ای نیم‌دایره داشت، به فضاهای رواق ارتباط داشتند.



تصویر ۱: چاپارخانه و مهمان‌خانه قزوین (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)



تصویر ۲: نمای جنوبی مهمان‌خانه قزوین (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

۲. امکانات مهمان‌خانه

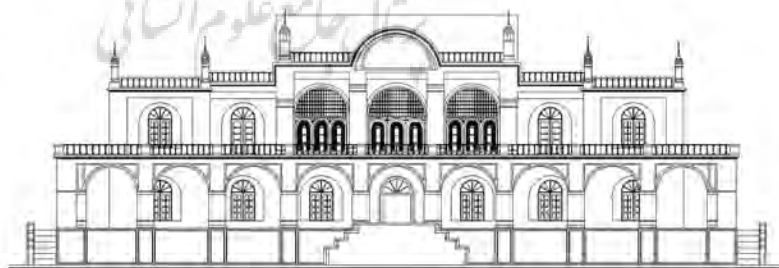
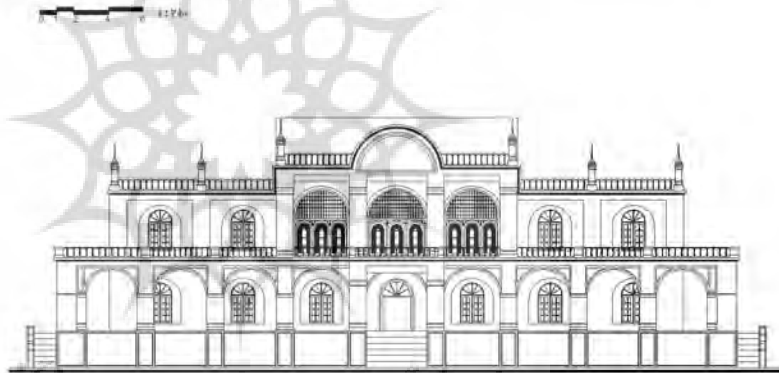
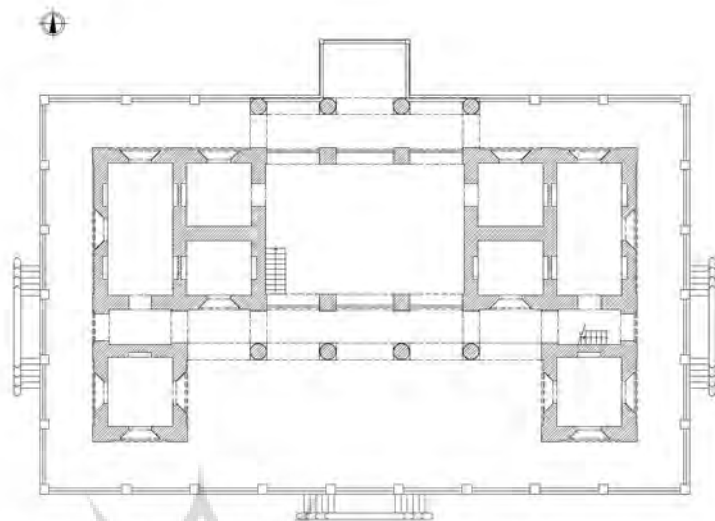
از گذشته‌های دور، کاروانسراهایی که مسافران از آن استفاده می‌کردند فاقد هرگونه تجهیزات رفاهی بود و مسافر می‌بایست تمامی ملزومات سفر را همراه خود می‌آورد. مهمان‌خانه قزوین، اولین اقامتگاهی در ایران بود که میلمان و تجهیزات رفاهی داشت، و این مهم‌ترین ویژگی مهمان‌خانه و تفاوت آن با بناهای مشابه گذشته بود که با الگوبرداری از اروپا شکل گرفته بود. این مسئله از نظر فرنگیان و ایرانیان فرنگ دیده بسیار بااهمیت بود؛ زیرا سفر، در طول جاده‌هایی که مسافران متشخص، مجبور به نزول در کاروانسراها و خانه‌های روستایی بودند، بسیار مشکل بود. میلمان مهمان‌خانه در نوع خود کامل و منحصر به فرد بود.^۱ اتاق‌ها تخت‌خواب (آنه ۱۳۷۰، ۲۹) روشویی (اورسل ۱۳۸۲، ۱۹۷) و پرده (یوشیدا ۱۳۷۳، ۲۲۳) داشت و با «فرش‌های عالی» (ارفع‌الدوله ۱۳۴۵، ۱۸۵) فرش شده بود. میلمان تالار نیز شامل «فرش‌های زیبایی از دیبای فرنگی و مبل‌های ظریف در ردیف یکدیگر» (حسام‌السلطنه ۱۳۷۴، ۲۹) بود.

بارزترین امتیاز خدمات مهمان‌خانه، پاکیزگی و نظافت آن بود.^۲ فرد ریچاردز در مقام مقایسه مهمان‌خانه با کاروانسراها و دیگر اقامتگاه‌ها نوشته: «عده‌ای از مسافران، این مهمان‌خانه به‌خصوص را در قزوین مورد طعن و تمسخر قرار داده‌اند، ولی اگر شخص به بیماری وسواس دچار نباشد، می‌تواند محاسنی چند در آن بیابد. وضع قسمت‌هایی از کلیه مهمان‌خانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراهای ایران چنان است که در مقام مقایسه، آغل گاوهای هلند در برابر آن‌ها کاخ سلطنتی جلوه می‌کند، ولی در قزوین مسافر می‌تواند اتاقی پاکیزه و لگن کوچکی برای شستن دست و صورت که به لگن عروسک بی‌شبهت نیست، در اختیار داشته باشد» (ریچاردز ۱۳۷۹، ۳۰۵).

اهمیت پاکیزگی مهمان‌خانه هنگامی آشکار می‌گردد که بدانیم در کاروانسراها و اقامتگاه‌ها حشراتی زیست می‌کردند که گزش آن‌ها نه تنها خواب را بر مسافران حرام می‌کرد، بلکه موجبات وحشت آنان را نیز فراهم می‌آورد. کلود آنه به این موضوع اشاره کرده و از ترس حشرات در مهمان‌خانه قزوین هم، ترجیح داده تا از وسایل خواب شخصی استفاده کند: «... ما از روی احتیاط، تخت‌های سفری خود را زدیم و روی آن‌ها خوابیدیم و قبلاً کلیه شرایط پیشگیری از حملات شبانه حشرات و سایر جانوران را فراهم کردیم. به تجربه به ما ثابت شده بود که این حملات به مراتب هولناک‌تر از حمله راهزنان در جاده‌هاست» (آنه ۱۳۷۰، ۱۲۹).

از دیگر امتیازهای مهمان‌خانه قزوین، وجود پیش‌خدمت و فراش، و ارائه خدمات مورد نیاز برای آسایش مسافران، به‌خصوص سفیران و فرستادگان دول خارجی... بود (فورو کاوا ۱۳۸۴، ۲۷۳-۲۷۴). استقرار یک نفر صراف برای تبدیل پول (فراهانی ۱۳۶۲، ۱۷) از دیگر خدمات مهمان‌خانه قزوین بود. امکان رزرو اتاق‌ها از خدمات خاص مهمان‌خانه قزوین بود که برگرفته از نمونه‌های فرنگی برای نخستین بار در ایران صورت می‌پذیرفت. این امکان با توجه به مدیریت مهمان‌خانه برای دولت بسیار بااهمیت بود. در مهمان‌خانه همانند هتل‌های امروز، ملحفه‌ها تمیز و به‌طور مرتب عوض می‌شد (ریچاردز ۱۳۷۹، ۳۰۵) اتاق‌ها دارای روشویی (اورسل ۱۳۸۲، ۱۹۷) بود و یا لگن کوچکی برای شست و شوی دست و صورت در اختیار مسافران قرار می‌دادند (ریچاردز ۱۳۷۹، ۳۰۵).

از دیگر امتیازات مهمان‌خانه، ارائه خدمات غذا و نوشیدنی بود. مهمان‌خانه دارای فضای آشپزخانه قهوه‌خانه (فراهانی ۱۳۶۲، ۱۸) و سالن غذاخوری (آنه ۱۳۷۰، ۲۹) بود. بنجامین و لرد کرزن از غذای مهمان‌خانه با عبارات «غذای عالی» و «خوراک خوب» یاد کرده‌اند^۳ (بنجامین ۱۳۶۳، ۳۹؛ کرزن ۱۳۴۹، ج ۱، ۷۴). بنا بر قول عین‌السلطنه و برد در مهمان‌خانه غذای فرنگی نیز طبخ می‌شد (عین‌السلطنه ۱۳۷۶، ۱۲۰-۲/۲؛ برد ۱۳۷۶، ۵۷). بنا بر قول بروگش «حتی شام را هم به سبک اروپایی» (بروگش ۱۳۶۸، ۷۷) سرو می‌کردند. صورت غذاهای مهمان‌خانه به سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی در سالن غذاخوری ارائه می‌گردید و مهمان‌خانه «در تمام ساعات غذا» داشت و قیمت آن بسیار مناسب بود (آنه ۱۳۷۰، ۱۲۹ و ۲۹۰-۲۹۱).



نقشه ۱: بازسازی نماهای مهمان‌خانه (مأخذ: مهمان‌خانه بزرگ قزوین)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۳ - بهار و تابستان ۹۲

۳. بستر مهمان‌خانه

مهمان‌خانه، مهم‌ترین بخش مجموعه‌ای وسیع‌تر موسوم به مجموعه دولتی بود. این مجموعه از سمت شمال محدودکننده خیابان بود و از سمت جنوب به خیابان تهران منتهی می‌شد. در سمت غرب مجموعه، جامع سلجوقی قرار داشت که نشان از قدمت و مرکز قرار گرفتن پهنه مذکور دارد. از وضعیت این محوطه در دوره ایلخانی و تیموری اطلاعاتی در دست نیست، مگر آسیب جدی که توسط حمله مغول بر شهر وارد شد. آنچه مسلم است، این بخش از شهر در طول زمان، اهمیت و رونق اقتصادی خود را حفظ کرده، زیرا شاه طهماسب صفوی، خیابان مشهور خود را به این سو امتداد داده و دولتخانه را با این تمهید به هسته اصلی شهر متصل کرده است. خیابان به عنوان مهم‌ترین گذر شهر صفوی، ستون نظام شهرسازی قزوین را شکل داده و از سردر عالی‌قاپو- ورودی اصلی دولتخانه صفوی- آغاز شده و تا جلوخان مسجد شاه (جامع سلجوقی) امتداد یافته است. درست در همین نقطه، مهمان‌خانه و مجموعه دولتی دوره ناصری ساخته شد.

هینریش بروگش که در سال ۱۸۶۱ میلادی، ۱۷ سال قبل از آغاز کار احداث مهمان‌خانه به ایران سفر کرده بود، در توصیف مکان مذکور آورده است: «از دروازه شهر گذشتیم و وارد خیابان‌های آن شدیم، کم‌کم به مرکز شهر می‌رسیدیم، از کنار امامزاده‌ای عبور کردیم و به میدان بزرگی رسیدیم که خیابان عریض و زیبایی به آن منتهی می‌شد. در انتهای این خیابان، ساختمان و قصری عالی وجود داشت و در دو طرف میدان هم بازارهای سرپوشیده قزوین خودنمایی می‌کردند» (بروگش ۱۳۶۸، ۱۵۷).

نوشته پیش‌گفته، دقیق‌ترین توصیفی است که وضعیت مکان مجموعه دولتی را تا قبل از احداث روشن می‌سازد. میدان ذکر شده توسط بروگش احتمالاً همان میدان دوره صفوی بوده که خیابان بدان ختم می‌شده است. در دو طرف میدان بازارهایی وجود داشته که بازارچه سپه و حجرات جلوخان مسجد جامع باقی‌مانده آن‌هاست. اینکه بازارهای یادشده، باقی‌مانده بازار دوره سلجوقی بوده که پس از احداث خیابان دچار دگرگونی شده، نیاز به بررسی‌های دقیقی دارد.

بنابراین می‌توان تصور کرد که مهمان‌خانه و مجموعه دولتی در فضای خالی میدان صفوی احداث شد و این بخش شهر قبل از احداث مجموعه و مهمان‌خانه دارای رونق اقتصادی و اجتماعی بوده است؛ این مسئله پشتیبان و متضمن موفقیت چنین پروژه بزرگی در سطح شهر بود.

این مجموعه با استفاده از موقعیت ممتاز مکانی به سبب وجود مسجد جامع، خیابان و بازارچه، به صورت جدی در کالبد شهر مطرح و با توجه به مدیریت، کارایی و عملکرد خود، تبدیل به هسته‌ای در برابر دیگر هسته‌های شکل‌دهنده شهر شد، به‌گونه‌ای که تعداد درخور توجهی کاروانسرا در اطراف مجموعه شکل گرفت و رقیبی برای بازار گردید.^۴ بدین ترتیب محوطه، تبدیل به مرکز جمعیتی گسترده‌ای شد که همه سطوح اجتماعی و اقتصادی از بازرگانان و سفرای خارجی گرفته تا دستفروش‌ها و مردم عادی در آن دیده می‌شدند.

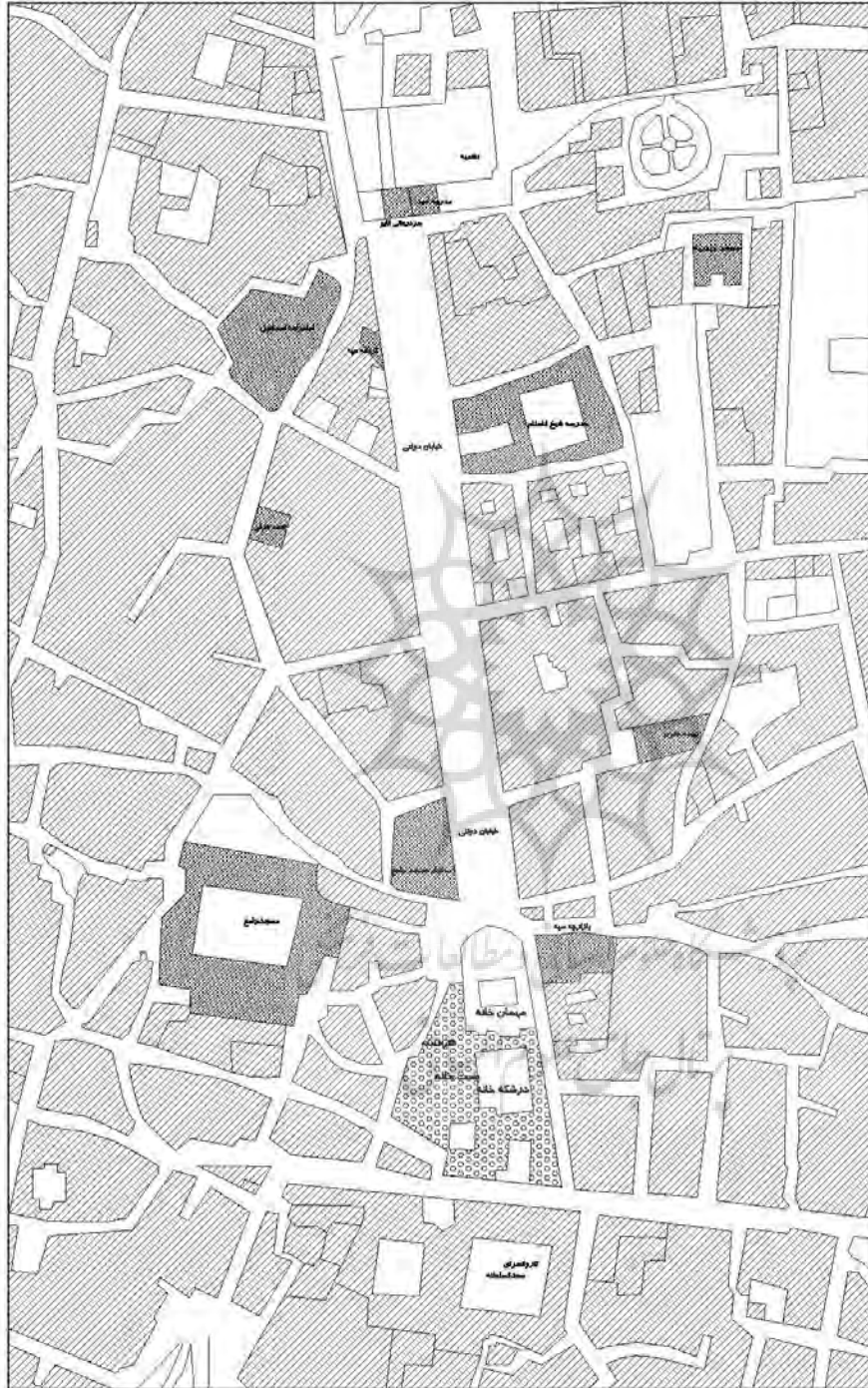
مادام دیولافوا در توصیف محیط مهمان‌خانه در سال ۱۸۸۱ میلادی، یعنی یک سال پس از ساخته شدن مهمان‌خانه نوشته: «در یک طرف آن (مهمان‌خانه) باغچه‌ای است که دارای حوض بزرگی است و اردک‌ها در آن شناورند و سقاها می‌آیند و مشک‌های چرمی خود را از آب پر کرده و به خانه‌ها می‌برند. در طرف دیگر آن، میدانی است که چند دکان بدنمایی در اطراف آن هست و چنار صدساله‌ای آن‌ها را از اشعه آفتاب در پناه نگاه می‌دارد. این دکان‌ها از حیث ساختمان بسیار بدنما هستند و سقف آن‌ها با حصیر و پارچه‌های مندرسی پوشیده شده و بساط کاسب در اطراف تیر بزرگ مرکزی چیده شده است» (دیولافوا ۱۳۶۱، ۱۰۶). او در نوشته خود به‌خوبی بخشی از فضای اطراف مهمان‌خانه را توصیف کرده، اما به نظر می‌رسد که درباره مکان بازارچه دچار اشتباه شده؛ زیرا اگر یک طرف مهمان‌خانه حوض قرار گرفته باشد (شمال مهمان‌خانه)، سمت دیگر به قرینه حیاط درشکه‌خانه خواهد شد (جنوب مهمان‌خانه) که امکان چیدن بساط در آن نبوده و در عکس‌ها نیز نشانی از درخت در آن دیده نمی‌شود. اورسل نیز که یکسال پس از دیولافوا از قزوین عبور کرد، توصیف مشابهی از محیط ارائه کرده است: «نزدیک

مهمان‌خانه، بازارچه کوچکی قرار داشت که ردیف دکان‌های آن سرپوشیده نبود، ولی سایه‌بان حصیری یا شاخ و برگ درختان چنار تا حدی جلوی نور شدید آفتاب را می‌گرفت... در چند قدمی مهمان‌خانه، مناره‌های آبی‌رنگ مسجد مشهوری به نام مسجد شاه^۵ ... دیده می‌شد...» (اورسل ۱۳۸۲، ۱۹۸ و ۲۰۴).

با این توصیف، به نظر می‌رسد که بازارچه روباز در جلوخان مسجد جامع واقع شده بود، اما جای تعجب است که دیولافوا و اورسل هیچ اشاره‌ای به بازار سرپوشیده (بازچه سپه کنونی) نکرده است. با توجه به نوشته بروگش به نظر نمی‌رسد که بازارچه سپه قبلاً روباز بوده و توصیف دیولافوا و اورسل مربوط به این بازارچه باشد. کالبد بازارچه نیز چنین موضوعی را تأیید نمی‌کند. در نقشه هوایی سال ۱۹۱۹ بازارچه سپه سرپوشیده نشان داده شده و کالبد آن با وضع فعلی آن منطبق است. در این نقشه، مجموعه کاروانسرای متشکل از سه کاروانسرا به نام سعدالسلطنه در جنوب مجموعه دولتی دیده می‌شود که هم‌زمان، با مدت کوتاهی پس از مجموعه دولتی در کنار خیابان تهران شکل گرفته و امروزه بخشی از آن باقی مانده است. همچنین در قسمت شرق و غرب مجموعه، کاروانسراهایی دیده می‌شود.

در حال حاضر، آثار شالوده مهمان‌خانه در زیر کف‌سازی خیابان سپه در موقعیت مکانی جلوخان مسجد جامع باقی است. بنا بر مطالعات انجام شده، پلان مهمان‌خانه از شرق تا به غرب خیابان گسترده شده و طول و عرض آن بالغ بر ۳۷ در ۲۳ متر است (پرهیزکاری ۱۳۸۶، ۵۱-۵۲).

بدنه‌های خیابان در این بخش، واجد دکان‌هایی است که کالبد تاریخی ندارند و دارای اقتصاد خرده‌فروشی هستند. بدنه غربی در عمق دارای بافت پر بوده، ولی در پشت دکاکین بدنه شرقی که اغلب تره‌بارفروشی هستند، راسته میوه و تره‌بار بازارچه سپه و به موازات خیابان سپه قرار دارد به نحوی که دکاکین مذکور از خیابان و راسته دارای دسترسی‌اند. راسته مذکور از نقطه نظر رونق و جذب مشتری، بسیار فعال بوده و با وجود نداشتن کالبد تاریخی و عمر کمتر در برابر کالبد اصلی بازارچه سپه، از آن برتری دارد. بازارچه سپه که با دو راسته کوتاه از یک سو به خیابان راه دارند، دارای کالبدی حداقل قاجاری است. این راسته‌ها با طاق و تویزه پوشش شده و توسط یک راسته فرعی به هم متصل گردیده‌اند. حجره‌های این بازارچه اغلب به خرده‌فروشی‌های مایحتاج روزانه اختصاص دارد. بازارچه فاقد سردر ورودی به سمت خیابان است و ترکیب با خیابان دارای پیش‌فضای باز است. راسته میوه‌فروش‌ها که متأخر است، عمود بر راسته‌های بازارچه قرار گرفته و احتمالاً همان گذر شرقی مجموعه دولتی است که خیابان صفوی (سپه) را به خیابان تهران متصل می‌کرده است. درست مقابل بازارچه در آن سوی خیابان، سردر ورودی مسجد قرار گرفته و دارای فضایی باز به عنوان پیش‌خوان است. این فضا که نقطه مرکزی آن را سردر شکل می‌دهد، دارای پلانی مستطیل‌شکل است که طول غربی آن به خیابان تعریف شده و در ضلع شرقی نیز سردر معظم مسجد با هشتی پشت آن در میان دکاکینی قرار دارد. اضلاع شمالی و جنوبی نیز دکاکینی تعریف می‌شود که آب‌انبار خیابان در ضلع شمالی از دوره صفوی خودنمایی می‌کند و در ضلع جنوبی بنا بر کروکی فلاندن، آب‌انباری وجود داشته که امروزه از بین رفته است. درست در کنج‌های شمال شرقی و جنوب شرقی دو گذر به سمت غرب و جنوب غربی امتداد می‌یابند. در فضای جلوخان مسجد، آب‌نما و باغچه‌هایی ساخته شده است. سطح خیابان مقابل جلوخان مذکور، مکان باغچه مهمان‌خانه بوده که در شمال مهمان‌خانه واقع بوده و بدین ترتیب، انتهای خیابان از نظر فیزیکی و بصری بسته می‌شده است. با امتداد خیابان سپه در دوره پهلوی اول، جنوب خیابان باز شده و تعریف فضایی خیابان با تمام مفاهیم شهرسازی سنت‌گرای خود از میان رفته است.



مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۳ - بهار و تابستان ۹۲

۶۲

نقشه ۲: قرارگیری مهمان‌خانه در انتهای خیابان و تعریف فضایی شهری در سال ۱۳۰۶ (مأخذ: میراث فرهنگی قزوین)



تصویر ۳: نمای شمالی مهمان‌خانه قزوین (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

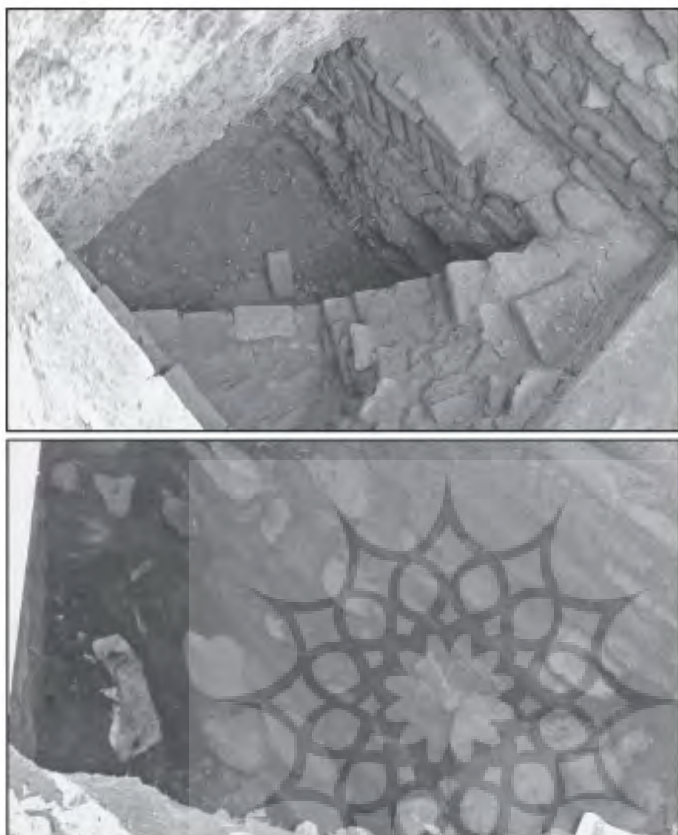


تصویر ۴: فضای انتهای خیابان سپه که با مهمان‌خانه بسته شده (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۳ - بهار و تابستان ۹۲

۶۳



تصویر ۵: آثار شالوده مهمان‌خانه قزوین که در گمانه‌زنی به دست آمده

۴. جمع‌بندی

با توجه به نکات بیان شده و با دستیابی به نقشه‌های مهمان‌خانه قاجاری از طریق مدارک تصویری و بقایای پایه‌های عیان شده، می‌توان بازنمایی ذهنی فضای شهری موجود در خیابان سپه را ارائه کرد. فضای خیابان سپه، مسجد جامع، بازارچه سپه و مهمان‌خانه را می‌توان به ترتیب زیر و با استفاده از ایدئوگرام مربوط ارائه کرد که در آن، رئوسی متشکل از فضای دولتخانه و بازار سنتی از یک سو مهمان‌خانه و فضای دولتخانه و بازار سنتی از سوی دیگر درخور تصور است.

ابعاد خیابان سپه حاصل از این تصور با تعاریف تاریخی که طول آن را حدود ۷۰۰ پا ذکر می‌کنند، مصداق می‌یابد و معین شدن فضای شهری خیابان و تعریفی که با احداث مهمان‌خانه می‌یافته، امروز نیز برای شهر قزوین می‌تواند یک فضای شهری تعریف شده باشد. در این صورت، مجموعه دولتخانه با عملکرد یک باغ تاریخی متشکل از شواهد باستان‌شناسی و فضاهای احیا شده شامل گراند هتل و کاخ شاه‌طهماسب و سایر عناصر قابل احیا گوشه‌ای از شکل مورد نظر، و مهمان‌خانه با نمود ظاهری گوشه‌ای دیگر، و قطب بازار و قطب مسجد جامع نیز گوشه‌های دیگر از این عناصر شهرسازی و معماری منطقی را تداعی خواهند کرد.

نتیجه گیری

هدف از بازنمایی ذهنی مهمان‌خانه قاجاری، تنها یک دغدغه تاریخی نیست، بلکه فضای شهری حاصل از استقرار آن در بستر موجود مد نظر است، لذا تردیدی باقی نمی‌ماند که در یکی از گزینه‌های شایان تصور، می‌بایست چنین بستری از استقرار را بازنمایی کرد. در این باره می‌توان بر اساس چند رویکرد به شرح زیر عمل کرد:

۱. رویکرد کالبدی: حاصل این رویکرد، تعیین جایگاه مهمان‌خانه تاریخی و تعریف فضای شهری را به همراه دارد، ولی به دلیل مشکلات شریانی سواره در کوتاه‌مدت اجراشدنی نیست.

۲. رویکرد ایمایی و اشاره‌ای: حاصل روش‌های آن، تعیین فضایی درخور توجه نخواهد بود، ولی به لحاظ عملیاتی با منشورهای جهانی تطابق بیشتری می‌یابد. چنین رویکردی را می‌توان با تعابیر و تفاسیر مختلفی مورد ارزیابی قرار داد:

۱-۲. اشاره به مکان بنا از طریق تصاویر و نقشه‌ها در موزه‌ای کوچک در محل که در این صورت، تعریف فضای شهری خیلی تطابق مکانی نخواهد داشت.

۲-۲. اشاره به مکان و شکل بنا، با استفاده از بقایای بنا شامل پایه‌هایی که ضمن حفاری و گمانه‌زنی در کدهای زیر کف موجود خیابان به دست آمده‌اند.

۱-۲-۲. راه حل تصور شدنی عبارت خواهد بود از نمایش پایه‌های عمارت مهمان‌خانه و استفاده از پوششی شفاف که بتواند بقایای پایه‌ها را خوانا کرده و عبور و مرور وسایل نقلیه را نیز میسر گرداند.

۲-۲-۲. استفاده از زیرگذری که بتواند به عنوان یک معبر پیاده، بقایای مهمان‌خانه را در پایه‌ها بازدیدپذیر کند.

۳-۲-۲. استفاده از پایه‌های موجود و خواناسازی آن‌ها و پیش‌بینی سازه‌ای جدید و احداث مهمان‌خانه قاجاری با استفاده از الگوی موجود در طبقه فوقانی به نحوی که حرکت سواره در وضع موجود قطع نگردد. بدیهی است که تصور چنین طرحی در درازمدت توجیه‌پذیر خواهد بود، زیرا این طرح زمانی قابلیت تحقق خواهد یافت که جایگاه عبوری سواره در خیابان سپه کم‌رنگ گردد.

اما در شرایط حاضر و با توجه به شرایط موجود در کوتاه‌مدت، نمی‌توان از وجود بقایای مهمان‌خانه قاجاری چشم‌پوشی کرد، لذا طرح منتخب، بند ۲-۲-۱ است، یعنی خواناکردن مکان بازیافته از طریق بقایای پایه‌های موجود و استفاده از پوششی شفاف در مکان مذکور، به نحوی که در کوتاه‌مدت مکان تاریخی که بازگوکننده نظم فضای دوره قاجاری است، بتواند احیا گردد، اما می‌توان به بازنمایی بخش‌هایی از فضای متعلق به مهمان‌خانه در پیاده‌روهای دو سوی خیابان پرداخت و بخشی از کالبد فضای مهمان‌خانه را در دو معبر پیاده بازسازی کرد. این طرح در کوتاه‌مدت کمترین تنش را در عبور و مرور شهری با علم به شرایط موجود، ایجاد خواهد کرد و از سوی دیگر، تصور ذهنی از فضای شهری حاصل از استقرار بنای تاریخی را به شکل درخور توجهی قوت خواهد بخشید. بدیهی است که نحوه اجرای عناصر فوق در دو سوی خیابان موجود در پیاده‌روها مستلزم مطالعه‌ای دقیق و طرحی مبتکرانه و خلاقانه است که ضمن توجه به بقایای تاریخی، تلفیقی از تاریخ و زمان حاضر را برای احیای محیط کالبدی بنای تاریخی از یک سو و تعریف فضای شهری را از سوی دیگر مد نظر داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسام‌السلطنه می‌نویسد: «در تمام بیوتات تحتانی و فوقانی، اسباب پذیرایی و لوازم راحت آماده و جمع است، مشتمل بر میز و صندلی و لاله و شمع» (حسام‌السلطنه ۱۳۷۴، ۲۹).

بروگش نیز میلمان مهمان‌خانه را چنین آورده: «در طبقه فوقانی این عمارت اتاق‌های تر و تمیزی وجود دارد که با اسباب و اثاثیه اروپایی، نظیر میز و صندلی و فرش و کاناپه و غیره مجهز است» (بروگش ۱۳۷۴، ۷۷).

۲. فراهانی در این خصوص نوشته: «اما مرتبه فوقانی مشتمل بر هشت اطاق است که همه پاکیزه و سفید... و مبل‌های آن‌ها پاکیزه و ممتاز است» (فراهانی ۱۳۶۲، ۱۸).
- یوشیدا ماساهارو در همین باره پاکیزگی اسباب و لوازم را ذکر کرده است: «اسباب سفره همه تمیز و برانده بود» (یوشیدا ۱۳۷۳، ۲۲۳).
۳. بنجامین می‌نویسد: «پس از ورود به قزوین با کمال تعجب هتل مدرن و خوبی را آنجا یافتیم و اتاق‌های راحتی با مبلمان اروپایی و آشپزخانه و غذای عالی داشت» (بنجامین ۱۳۶۳، ۳۹).
- لرد کرزن نیز در همین خصوص آورده: «اتاق‌های مفروش و مرتب و خوراک خوب آن برای وسایل تجملی عالی است» (کرزن ۱۳۴۹، ۷۴/۱).
۴. رجوع شود به: مهرزاد پرهیزکاری، «هسته ارتباطات شهر قزوین گامی در گذر از شهرسازی سنتی» ارائه شده در نشست تخصصی و رونمایی کتاب مهمان‌خانه بزرگ قزوین (تهران: مرکز هنرپژوهی نقش جهان، فرهنگستان هنر، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۷).
۵. منظور همان جامع قزوین است که اورسل به اشتباه مسجد شاه نام برده است. در زمان سفر اورسل، مسجد شاه قزوین (مسجد نبی کنونی) در کنار بازار قزوین، با فاصله نسبتاً زیادی از مهمان‌خانه قرار داشته است.

منابع

- آنه، کلود. ۱۳۷۰. *گل‌های سرخ اصفهان*. ترجمه فضل‌الله جلوه. تهران: روایت.
- ارفع‌الدوله. ۱۳۴۵. *ایران دیروز: خاطرات پرنس ارفع*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- اورسل، ارنست. ۱۳۸۲. *سفرنامه قفقاز و ایران*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برد، اف ال. ۱۳۷۶. *گشت و گذاری در ایران*. ترجمه علی‌اصغر مظه‌ری کرمانی. تهران: جانان.
- بروگش، کارل هینریش. ۱۳۷۴. *در سرزمین آفتاب*. ترجمه مجید جلیوند. تهران: مرکز.
- _____ . ۱۳۶۸. *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه محمدحسین کردیچه. تهران: اطلاعات.
- بنجامین، ساموئل گرینویلر. ۱۳۶۳. *ایران و ایرانیان*. به اهتمام رحیم رضازاده ملک. تهران: گلبانگ.
- پرهیزکاری، مهرزاد. ۱۳۸۶. *مهمان‌خانه بزرگ قزوین*. قزوین: پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی قزوین.
- حسام‌السلطنه، سلطان مراد. ۱۳۷۴. *سفرنامه مکه*. به کوشش رسول جعفریان. قم: مشعر.
- دیولافوا، ژان. ۱۳۶۱. *سفرنامه مادام دیولافوا*. ترجمه فره‌وشی مترجم همایون. تهران: خیام.
- ریچاردز، فرد. ۱۳۷۹. *سفرنامه فرد ریچاردز*. ترجمه مهین‌دخت صبا. تهران: علمی و فرهنگی.
- عین‌السلطنه سالور، قهرمان میرزا. ۱۳۷۶. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. ج ۲. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- فراهانی، میرزا محمدحسین. ۱۳۶۲. *سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی*. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: فردوسی.
- فوروکاوا، نوبویوشی. ۱۳۸۴. *سفرنامه فوروکاوا*. ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیچی ئەاورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کرزن، جرج ناتانیل. ۱۳۴۹. *ایران و قضیه ایران*. ج ۱. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یوشیدا ماساهارو. ۱۳۷۳. *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*. ترجمه هاشم رجب‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.